

## Jurisprudential-legal Foundations of Financial Support for Women Heads of Households and its Legislative Gaps

Leila Mehrabirad <sup>1</sup>, Amirhamzeh Salarzaei, <sup>2\*</sup>, Ali Tavallaei <sup>3</sup>

1. PhD student of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Department of Fiqh and Law, Faculty of Theology, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

2. Professor of the Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

3. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Law, Faculty of Theology, Yazd University, Yazd, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 117-130

Article history:

Received: 30 Jul 2023

Edition: 7 Nov 2023

Accepted: 4 Mar 2024

Published online: 22 Jun 2024

### Keywords:

Women Heads of Households, Fair Wages, Social Security, Vulnerable Groups.

### Corresponding Author:

Amirhamzeh Salarzaei

### Address:

Iran, Zahedan, University of Sistan and Baluchestan, Faculty of Theology, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law.

### Orchid Code:

0009-0000-6126-9060

### Tel:

09155414263

### Email:

Amir\_hsalzar@theo.usb.ac.ir

### ABSTRACT

**Background and Aim:** women heads of the household are among the vulnerable sections of the society that need to be supported. In this article, an attempt has been made to provide solutions that are compatible with jurisprudential teachings in order to provide material support to this group.

**Materials and Methods:** The present article is descriptive-analytical with a problem-oriented approach and was written by referring to library sources.

**Ethical considerations:** In writing this article, honesty and trustworthiness have been observed and original and first-hand sources have been used.

**Findings:** The Islamic government can take advantage of the potential and capacities of the government jurisprudence and adopt strategies to provide financial support to women heads of the household and in this way support this vulnerable group. The findings of the research indicate that these laws alone have not been able to meet the requirements and requirements stipulated in the principles.

**Conclusion:** Considering the mechanisms for the insurance of female heads of households, the provision of the treasury and the public budget, the payment of fair wages and also the granting of guardianship of children to female householders can be considered as the types of support of the legislator for this group.

### Cite this article as:

Mehrabirad L, Salarzaei A, Tavallaei A. *Jurisprudential-legal Foundations of Financial Support for Women Heads of Households and its Legislative Gaps*. Economic Jurisprudence Studies. 2024.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره ششم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

### مبانی فقهی- حقوقی حمایت مالی از زنان سرپرست خانوار و خलाهاى تقنینی آن

لیلا مهرابی راد<sup>۱</sup>، امیرحمزه سالارزایی<sup>۲\*</sup>، علی تولایی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.
۲. استاد گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.
۳. دانشیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

#### چکیده

**زمینه و هدف:** زنان سرپرست خانوار از جمله اقشار آسیب‌پذیر جامعه می‌باشند که حمایت از آنها ضرورت دارد. در مقاله حاضر تلاش شده است راهکارهایی که با آموزه‌های فقهی تناسب دارد در جهت حمایت مادی از این قشر ارائه گردد.

**مواد و روش‌ها:** مقاله حاضر توصیفی- تحلیلی و با رویکرد مسأله محور بوده و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای نگاشته شده است.

**ملاحظات اخلاقی:** در نگارش این مقاله صداقت و امانت‌داری رعایت گردیده و از منابع اصیل و دست اول استفاده شده است.

**یافته‌ها:** دولت اسلامی می‌تواند با بهره‌گیری از پتانسیل و ظرفیت‌های فقه حکومتی و پویا، راهبردهایی را در جهت حمایت مالی از زنان سرپرست خانوار اتخاذ نموده و از این رهگذر از این قشر آسیب‌پذیر حمایت به عمل آورد. یافته‌های تحقیق نشان از آن دارد این قوانین به تنهایی نتوانسته است اقتضانات و الزامات مقرر در اصول قانون اساسی را تأمین کند و احتیاج به تصویب قوانین مکمل دیگری در حوزه اجرا است. تدوین یک نظام حقوقی خاص حمایتی کارآمد مهم‌ترین راهکار برون رفت از مشکلات حقوقی زنان سرپرست خانوار می‌باشد.

**نتیجه:** در نظر گرفتن سازوکارهایی برای بیمه زنان سرپرست خانوار، لحاظ مقررری از بیت‌المال و بودجه عمومی، پرداخت دستمزد عادلانه و همچنین اعطای سرپرستی فرزندان به زنان خانوار، می‌تواند اقسام حمایت‌های قانونگذار از این قشر به شمار رود.

#### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۱۷-۱۳۰

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۸

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۸/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۴/۰۲

#### واژگان کلیدی:

زنان سرپرست خانوار، دستمزد عادلانه، تامین اجتماعی، اقشار آسیب‌پذیر.

#### نویسنده مسئول:

امیرحمزه سالارزایی

آدرس پستی:

ایران، زاهدان، دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده الهیات، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی،

تلفن:

09155414263

کد ارکید:

0009-0000-6126-9060

پست الکترونیک:

Amir\_hsalari@theo.usb.ac.ir

## ۱. مقدمه

زنان سرپرست خانوار به زنانی گفته می‌شود که به دلایل مختلف مانند فوت همسر، متارکه، طلاق، مرضی و از کارافتادگی همسر و عواملی از این دست مجبور شده‌اند تمام مسئولیت‌های خانواده را بر عهده گیرند. آن‌ها علاوه بر ایفای نقش مادر، مجبور به کار و کسب درآمد نیز هستند و مجبورند علاوه بر تربیت فرزندان و انجام کارهای خانه، برای تامین مایحتاج خانه نیز کار کنند. مشکلات زنان سرپرست خانوار در زندگی مشترک شامل موارد متعددی می‌گردد. شرایط سخت زندگی از لحاظ مالی و عاطفی، منجر به افسردگی و دل‌سرد شدن این قبیل زنان می‌شود. همچنین فرزندان آنها به عنوان یکی از آسیب‌پذیرترین قشرهای جامعه هستند که بقا و رشد آن‌ها مورد تهدید جدی قرار می‌گیرد. کودکان این خانواده‌ها ممکن است به انواع ناهنجاری‌های اجتماعی مبتلا شوند و از داشتن طبیعی‌ترین حقوق خود در جامعه مانند حق تحصیل، حق مسکن و از همه مهم‌تر حق کودکی کردن محروم شوند و بالمآل آینده‌ی این کودکان بسیار در معرض خطر قرار گیرد. با عنایت به مطالب فوق آنچه به عنوان دغدغه اصلی نگارش مقاله حاضر مطرح می‌باشد، یافتن خلأهای تقنینی و اجرایی در جهت توانمندسازی مالی زنان سرپرست خانوار و ارائه‌ی راهکار متناسب در این زمینه است.

در باب پیشینه پژوهش باید گفت اگرچه تاکنون مسئله این قشر از جامعه به جهت اهمیت آن، نیازمند بحث و بررسی بوده؛ لکن با بررسی‌های به عمل آمده در منابع علمی، اثری که همپوشانی با مقاله حاضر داشته باشد، مشاهده نمی‌شود. از باب نمونه در مقاله‌ای با عنوان «ضرورت حبس‌زدایی زنان بزهکار سرپرست خانوار در فقه و حقوق ایران» (وزیری؛ حسینی، ۱۳۹۸، ۵۱-۳۰)، نگارندگان به تبیین عواملی که با توجه به آنها می‌بایست کیفر حبس را در زنان سرپرست خانوار به حداقل رساند پرداخته‌اند.

در مقاله‌ای دیگر با عنوان «بررسی مقایسه‌ی زنان سرپرست خانوار خود اشتغال و زنان سرپرست خانوار دستمزد و حقوق بگیر در نقاط شهری ایران» (قوامی، ۱۳۸۵، ۲۲۷-۲۵۸)، نویسنده به این نتیجه رسیده است که برخلاف کشورهای توسعه یافته، در کشور ما سهم زنان در زمینه خوداشتغالی ضعیف است. برخی دیگر از پژوهشگران نیز سنجش میزان امنیت غذایی زنان سرپرست خانوار و عوامل

مؤثر بر آن را مورد مطالعه قرار داده و به این نتیجه رسیده‌اند که صرفاً شمار معدودی از زنان سرپرست خانوار در امنیت غذایی کامل می‌باشند و ناامنی غذایی در این قشر در شرایط حادی قرار دارد. همچنین از نظر نویسندگان امنیت غذایی با عوامل گوناگونی مانند تعداد افراد تحت تکفل، تعداد فرزندان زیر سن هجده سال و نیز وضعیت تملک منزل مسکونی، دارای ارتباط مستقیم است (سعدی، ۱۳۹۲، ۴۱۱-۴۲۶). همچنین در حوزه امور اجتماعی و روان شناسی زنان سرپرست خانوار نیز برخی تحقیقات به عمل آمده است. از باب نمونه پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر میزان توانمندی زنان سرپرست خانوار شهرستان ورامین» (شیرزاد، ۱۳۸۹) نگاشته شده است که هدف کلی از پژوهش مذکور، بررسی عواملی است که بر میزان توانمندی زنان سرپرست خانوار شهرستان ورامین تأثیرگذار بوده و جامعه آماری موردنظر، زنان سرپرست خانوار این شهرستان بوده که برای دریافت خدمات مددکاری اجتماعی به کلینیک مددکاری اجتماعی مراجعه می‌نمایند. همچنین در مقاله‌ای با عنوان «بررسی وضعیت اشتغال زنان سرپرست خانوار در ایران» اشتغال زنان سرپرست خانوار بررسی شده است (کردزنگنه و اقبالی، ۱۳۹۵) در مقاله‌ای دیگر نیز با عنوان «شناسایی و اولویت‌بندی راه‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار» به روش‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار پرداخته شده است (حسن پور؛ ابطحی؛ عزیزپور لینی؛ داداشی امیر؛ ۱۴۰۰) تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های انجام شده این است که در مقاله پیش‌رو خلأهای تقنینی حمایت مالی از زنان سرپرست خانوار و مبانی فقهی آن بررسی می‌شود. سوال مقاله بدین شکل طرح می‌شود که منابع قانونی و مبانی فقهی حمایت از زنان سرپرست خانوار چیست و قوانین حمایتی در این خصوص با چه خلأهایی مواجه است؟ به منظور بررسی سوال مورد اشاره ابتدا منابع قانونی، سپس خلأها و در ادامه منابع فقهی حمایت از زنان سرپرست خانوار بررسی می‌شود.

## ۲. مواد و روش‌ها

جستار حاضر با اتخاذ روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌جستن از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده است. داده‌ها و اطلاعات مقاله از میراث مکتوب فقهی و نیز برخی از کتب حقوقی گردآوری شده و سپس به تحلیل و تبیین این اطلاعات همت گمارده شده است.

### ۳. ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر تمامی ملاحظات اخلاقی مرتبط با امور پژوهشی از جمله استناد دقیق به منابع مورد استفاده، ذکر منابع در متن و انتهای مقاله و همچنین استفاده از منابع متقن رعایت شده است.

### ۴. یافته‌ها

دولت اسلامی می‌تواند با بهره‌گیری از پتانسیل و ظرفیت‌های فقه حکومتی و پویا، راهبردهایی را در جهت حمایت مالی از زنان سرپرست خانوار اتخاذ نموده و از این رهگذر از این قشر آسیب‌پذیر حمایت به عمل آورد. یافته‌های تحقیق نشان از آن دارد که این قوانین به تنهایی نتوانسته است اقتضائات و الزامات مقرر در اصول قانون اساسی را تامین کند و احتیاج به تصویب قوانین مکمل دیگری در حوزه اجرا است. تدوین یک نظام حقوقی خاص حمایتی کارآمد مهم‌ترین راهکار برون رفت از مشکلات حقوقی زنان بدسرپرست و بی سرپرست می‌باشد.

### ۵. بحث

در این قسمت مبانی نظری پژوهش مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۵-۱. منابع قانونی حمایت از زنان سرپرست خانواده

منابع قانونی حمایت از زنان سرپرست خانواده عبارتند از:

##### ۵-۱-۱. قانون اساسی

نگرش قانون اساسی به زن به جهتی بر نقش سنتی زنان در جامعه یعنی مشارکت آنان در تشکیل خانواده است. به عبارت دیگر زن به مناسبت همسر و مادر بودن مورد توجه قرار می‌گیرد.

از جمله در مقدمه قانون اساسی در بخش زن در قانون اساسی چنین آمده است: «در ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی نیروهای انسانی تاکنون در خدمت استثمار همه جانبه خارجی بودند. هویت اصلی و حقوق قانونی خود را باز می‌یابند و در این بازیابی طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند. استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود. «زن در چنین برداشتی از خالت‌شء بودن و یا ابزار کار بودن در خدمت

اشاعه مصرف‌زدگی و استثمار خارج شده و ضمن باز یافتن وظیفه خطیر و پر ارج مادری، در پرورش انسان‌های مکتبی، پیش‌آهنگ و خود هم رزم مردان و در میدان‌های فعال حیات می‌باشد و در نتیجه پذیرای مسئولیت خطیر تر و در دیدگاه‌های اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود» (عبادی، ۱۳۸۱، ۳۲-۳۱). در چنین برداشتی از زن و نقش مادری که قانون اساسی برای آن قائل است، لازم است به نظر آید که زنان بی سرپرست و بیوگان و سالخورده‌گانی که بدون پشتوانه به حیات خود ادامه می‌دهند و با مصائب و مشکلات گوناگون دست و پنجه نرم می‌کنند مورد حمایت واقع شوند.

برای همین منظور قانون اساسی این امر مهم را از نظر دور نداشته است و در اصل ۲۱ مقرر می‌دارد: «هر دولت موظف است حقوق زنان را در تمام جهت و با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیرا انجام دهد: ۱- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او. ۲) حمایت مادران به خصوص در دوران بارداری و حضانت فرزندان و حمایت از کودکان بی سرپرست ۳) ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده ۴) ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست ۵) اعطای قیمومیت فرزندان به مادران شایسته در جهت غطبه آنان در صورت نبودن ولی شرعی.

قانون اساسی در این اصل در بند دوم و چهارم حمایت خود را از زنان بی سرپرست در قالب بیمه و سایر حمایت‌ها اعلام کرده است که همخوانی با اسناد بین‌المللی حقوق بشر دارد. اما پاره‌ای از این موازین در قانونگذاری عادی به درستی رعایت نشده است. به عنوان مثال، با وجود تصریح اصل ۲۱، بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست هنوز مالی و اجتماعی ویژه‌ای قرار نگرفته‌اند (هاشمی، ۱۳۸۱، ۲۳).

##### ۵-۱-۲. برنامه‌های پنج ساله توسعه

تامین اجتماعی و بهداشتی از آغاز انقلاب تا شروع برنامه اول که در سال ۱۳۶۸ به طور عملی آغاز گردیده، نمی‌توانست از سطح وقایعی که در سطح کلان جامعه وجود داشت جدا گردد. در نتیجه رسیدگی به امور بی سرپرستان در چهارچوب اقدامات برنامه ریزی کشور، داخل فصل تامین اجتماعی و بهداشتی انجام گرفت. به عنوان مثال در

کاهش آسیب‌های اجتماعی نسبت به تهیه طرح جامع کنترل کاهش آسیب‌های اجتماعی اقدام نماید.

### ۵-۳. قانون تامین زنان و کودکان بی سرپرست مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۴ مجلس شورای اسلامی

اولین قانون تامین زنان و کودکان بی سرپرست در تاریخ ۱۳۶۲/۸/۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. در ماده واحده ای قانون آمده بود که «دولت مکلف است نسبت به تضمین بیمه و رفاه زنان و کودکان بی سرپرست موضوع بند چهارم اصل ۲۱ قانون اساسی اقدام و حداکثر ظرف سه ماه لایحه آن را برای تصویب به مجلس تقدیم دارد. دولت باید حتی الامکان در لایحه خود کفا نمودن بیمه شدگان را مورد توجه خاص قرار دهد». «خدمات ارائه شده توسط این قانون به مددجویان شامل تامین مسکن زنان بی سرپرست و فرزندان آنها به طور موقت و دائم، کمک هزینه خدمات درمانی، مستمری ماهیانه نقدی غیر نقدی - هزینه تحصیلات و خدمات آموزشی و تربیتی در سطوح آمادگی و پیش دبستانی تسهیلات عالی، خدمات کاربابی و اشتغال مددکاری، تا حصول اطمینان از بازتوانی و استقلال اقتصادی آنان - پرداخت سرمایه کار آموزشی مهارت‌های زندگی به زنان و دخترانی سرپرست - تشخیص زنان سرپرست خانوار و ارائه خدمات می‌باشد» (عبادی، ۱۳۸۱، ۳۳).

قانون فوق مشمولین دریافت کمک‌ها را به شرح زیر معرفی کرده است: «۱) زنان بیوه (۲) افراد پیر و سالخورده (سالمندان) (۳) زنان و دختران بی سرپرست (۴) کودکان و نوجوانان بی سرپرست (۵) خانواده های بی سرپرست (۶) افراد از کار افتاده.

مطابق ماده ۴ حمایت مقرر در این قانون عبارتند از: «۱- حمایت های مالی: حمایت مالی شامل تهیه وسایل و امکانات خود کفائی یا مقرری نقدی و غیر نقدی به صورت نوبتی یا مستمر (۲) حمایت های فرهنگی و اجتماعی: حمایت های فرهنگی و اجتماعی شامل ارائه خدماتی نظیر خدمات آموزشی (تحصیلی) تربیتی، کاربابی، آموزش حرفه ای حرفه و فن جهت اشتغال، خدمات مشاوره ای و مددکاری جهت رفع مسائل ومشکلات زندگی مشمولان و به وجود آوردن زمینه ازدواج و تشکیل خانواده (هاشمی، ۱۳۸۴، ۴۹۹). (۳) نگهداری روزانه یا شبانه‌روزی: نگهداری روزانه یا شبانه‌روزی کودکان و زنان سالمند بی سرپرست در

تعریف و دامنه شمول بخش تامین اجتماعی در سال ۱۳۶۴ آمده است که: «دو بخش تامین اجتماعی و بهزیستی به مجموعه شکلی از تدابیر، خدمات، فعالیتها و حمایتها ی بیمه ای و غیر بیمه ای اطلاق می شود که به منظور بسط رحمت اسلامی در جامعه و حفظ ارزش هاو کرامت والای انسانی در جهت گسترش خدمات توان بخشی، حمایتی و رفاهی و امدادی و بازپروری و کمک به تامین حداقل نیازهای گروه های نیازمند جامعه صورت می گیرد و افراد و خانواده های بی سرپرست و نیازمند، معلولین جسمی و ذهنی؛ آسیب دیدگان سوانح طبیعی و غیر طبیعی ناسازگاران و محرومین اجتماعی را در بر می گیرد».

در ماده ۵۶ از فصل پنجم قانون برنامه سوم آمده است که «در اجرای بند ۲ اصل ۴۳ قانون اساسی، نظام کشور را موظف کرده است که در طول سالهای برنامه سوم به نحوی برنامه‌ریزی و اقدام نماید که همواره پس از کسر ذخایر قانونی و احتیاطی سپرده های قرض الحسنه پس انداز که حداکثر از ۲۰ درصد آن تجاوز نمی‌کند، حداقل ۷۰ درصد بقیه را برای تهیه ابزار کار در اختیار کسانی قرار دهد که برای کار کردن امکان تهیه ابزار کار خود را ندارند. این تسهیلات به صورت وام بدون بهره بوده و کارمزد آن را شورای پول و اعتبار معین می‌کند. بیکاران ساکن در روستا ها و زنان بی کار سرپرست خانوار و همچنین حرفه آموختگان بخش های فنی و حرفه ای دولتی و غیر دولتی از اولویت برخوردارند».

بخش سوم از قانون برنامه چهارم توسعه در دو فصل به ارتقای سلامت و بهبود کیفیت زندگی خانوارهای کم درآمد و در معرض آسیب و بی سرپرستی می‌پردازد. همچنین در این بخش، بحث تامین و استقرار نظام جامع تامین اجتماعی به منظور ارتقای امنیت انسانی و عدالت اجتماعی مورد بحث قرار می‌گیرد و در آن دولت مکلف شده است که برنامه‌های جامعی برای فقرزدایی و عدالت اجتماعی تهیه کند و حمایت‌های مقرر در اصل ۲۹ قانون اساسی را به مرحله اجرا بگذارد. در این قانون همچنین فراهم آوردن حمایت‌های حقوقی، مشاوره های اجتماعی و مددکاری برای دفاع از حقوق فردی خانوادگی و اجتماعی فقرا و بی‌سرپرستان جزء تکالیف و وظایف دولت قرار داده است. ماده ۹۷ قانون برنامه چهارم دولت را مکلف کرده است که به منظور پیشگیری و

کارآموزی و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای پرداخت سرمایه کار و تامین هزینه‌های کارآموزی و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای پرداخت سرمایه کار و تامین هزینه‌های تشکیل خانواده و ازدواج به تناسب شرایط و توانایی‌های جسمی، اجتماعی و اقتصادی مشمولان است که سالانه در حد اعتبارات مصوبه در برنامه‌های مربوط توسط سازمان بهزیستی کشور و سازمان‌های بهزیستی استانها به مشمولان نیازمند و واجد شرایط اختصاص می‌یابد» (دراهمکی؛ نوبخت، ۱۴۰۰، ۴۳۷-۴۲۷).

ماده ۶ آئین نامه اجرایی میزان و مدت پرداخت‌های مستمر را این گونه تعیین می‌کند: (۱) مستمری ماهیانه: افرادی که به تنهایی زندگی می‌کنند و خانواده‌های دو نفره، حداکثر ۳۰٪ حداقل مستمری ماهیانه مشمولان قانون استخدام کشوری در هر سال. (۲) خانواده‌های چهار نفره، حداکثر ۴۰٪ حداقل مستمری ماهیانه مشمولان قانون استخدام کشوری در هر سال. (۳) هزینه تحصیلات: هزینه تحصیلات برای هر یک از دانش آموزان و دانشجویان بی سرپرست تحت حمایت حداکثر معادل ۵/۰۰۰٪ در ماه تعیین شود. (۴) حق سرانه بیمه خدمات درمانی: حق سرانه بیمه خدمات درمانی برای هر یک از زنان و کودکان بی سرپرست معادل رقم مصوب هر ساله از محل اعتبارات موضوع ماده (۱۴) قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور مصوب ۱۳۷۳ در اختیار کمیته امداد امام خمینی (ره) قرار می‌گیرد. کمیته یاد شده موظف شده است که کلیه خانواده‌ها و افراد مشتمل این آئین نامه را تحت پوشش بیمه خدمات درمانی در آورد. هزینه نگهداری: بخشی از هزینه نگهداری و مراقبت از کودکان بی سرپرست و زنان سالمند مشمول در مراکز نگهداری شبانه روزی غیر دولتی، همچنین مراکزی که به شکل هیات رضایی اداره می‌شوند به صورت سرانه توسط سازمان بهزیستی تامین و پرداخت می‌شود سازمان بهزیستی موظف است اولویت امر نگهداری از افراد مشمول را در میان خانواده‌های داوطلب واجد صلاحیت فراهم کند و شرایط را با پرداخت هزینه سرانه نگهداری تعیین شده رعایت نماید و گسترش دهد (حسن پور؛ ابطحی؛ عزیزپور لینی؛ داداشی امیر؛ ۱۴۰۰، ۶۷).

بر اساس تبصره ۱ بند «د» ماده ۶ آئین نامه اجرایی هزینه زندگی و مراقبت از مشمولان نیازمند در مراکز نگهداری وابسته به سازمان بهزیستی، کماکان از محل اعتبارات جاری

واحدهای بهزیستی و یا واگذاری سرپرستی و نگهداری این گونه کودکان و زنان به افراد واجد شرایط مطابق ماده ۹ قانون تامین، سازمان بهزیستی کشور مجری این قانون خواهد بود و این سازمان موظف به هماهنگی کلیه نهادها و دستگاه‌های ذی ربط تهیه و جهت تصویب به هیات وزیران تقدیم نماید.

در تبصره ماده «۹» آمده است که «اجرای این قانون مانع از انجام وظایف قانونی و موارد پیش بینی شده در اساسنامه کمیته امداد امام خمینی (ره) نمی‌باشد و کمیته مذکور در چارچوب وظایف قانونی خویش کماکان نسبت به ارائه خدمات مربوطه ادامه خواهد داد». «از طرف دیگر کلیه وزارت خانه‌ها، سازمانهای دولتی و وابسته به دولت، موسسات عمومی و سازمانهایی که مشمولان قانون بر آنها مستلزم ذکر نام می‌باشند موظف شده‌اند که همکاری‌های لازم را در زمینه اجرای این قانون یا سازمان بهزیستی کشور به عمل آورند» (هاشمی، ۱۳۸۴، ۴۹۹).

#### ۵-۱-۴. آیین نامه اجرایی قانون تامین، زنان و

##### کودکان بی سرپرست مصوب هیات وزیران ۱۳۷۴

«آئین نامه اجرایی قانون تامین زنان و کودکان بی سرپرست برابر ماده ۹ قانون تامین زنان و کودکان بی سرپرست باید حداکثر ظرف ۳ ماه از تاریخ ابلاغ این قانون توسط سازمان بهزیستی کشور با هماهنگی کلیه نهادها و دستگاه‌های ذی ربط تهیه و جهت تصویب به هیات وزیران تقدیم می‌شد. که متأسفانه این امر حدود سه سال به دراز کشید و سرانجام در ۱۳۷۴/۵/۱۱ آئین نامه مذکور به تصویب هیات وزیران رسید طبق ماده ۱، محور و اساس حمایت‌ها و اقدامات اجرایی موضوع این آئین نامه ایجاد امنیت اجتماعی و اقتصادی و فراهم کردن زمینه‌ها و موجبات عادی سازی زندگی زنان و کودکان بی سرپرست می‌باشد. در ماده ۲، بر شناسایی زنان بی سرپرست از طریق هماهنگی با نیروی انتظامی و معرفی آنان به سازمان بهزیستی طی مراحل قانونی و از طریق مراجع قضایی تاکید شده است» (بختیاری؛ محبی، ۱۳۸۵، ۱۰۳).

یکی از دغدغه‌های عمده و مهم زنان و کودکان بی سرپرست، تامین نیازهای اقتصادی و مادی می‌باشد. «پرداخت غیر مستمر ناظر بر فراهم ساختن و تهیه امکانات ابزار و وسایل حرفه آموزی کار و اشتغال، تامین هزینه‌های

این سازمان در برنامه های ذریبیط تامین می شود و افرادی که در مراکز توانبخشی و حمایتی سازمان بهزیستی نگهداری می شوند، مشمول پرداخت های فوق قرار نمی گیرند. در شرایطی که انجام و ارائه خدمات آموزشی و نگهداری مشمولان این آئین نامه در مراکز غیر وابسته به سازمان بهزیستی اعم از بخش دولتی و غیر دولتی یا در خانواده صورت می گیرد هزینه های مربوط به سرانه از محل اعتبارات مصوب سالانه سازمان بهزیستی کشور و سازمان های بهزیستی استان ها پرداخت می شود.

## ۵-۲. خلاهای تقنینی در زمینه زنان سرپرست خانوار

تبیین خلاهای تقنینی در زمینه زنان سرپرست خانوار در محورهای زیر قابل بحث می باشد.

### ۵-۲-۱. ضرورت ایجاد بیمه خاص نسبت به زنان بی سرپرست

بی تردید حق تامین اجتماعی، نیاز مسلم امروز هر انسانی است و زنان نیز در جامعه از شأن و منزلت والایی برخوردار می باشند. لذا ضرورت دارد که آنها نیز مانند مردان دارای حقوق و تامین اجتماعی باشند تا در برابر ناملایمات و دشواری های زندگی آسیب کمتری بر آنها وارد شود. تهی دستی، مشکلات خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی و غیره زنان را در مسیر زندگی در معرض امواج متلاطم و تهدیدهای متعددی قرار می دهد؛ بنابراین حمایت و تامین نیازهای اساسی آنها از مهم ترین وظایف هر جامعه ای است.

شاید به دلیل فقدان نظام های بیمه ای در گذشته، فقیهان متقدم در این مورد مطلبی را متذکر نشده اند و در عصر حاضر نیز فقها بنا بر ملاک های فقهی خویش، نسبت به پذیرش یا عدم پذیرش بیمه و مشروعیت آن نظرات متفاوتی ارائه داده اند. فقهای بسیاری از جمله وحید خراسانی، موسوی اردبیلی، گلپایگانی، مکارم شیرازی، و غیره نهاد بیمه را صحیح دانسته و در زمره عقود لازم شمرده و کلیات آن را تأیید نموده اند، این موضوع در رساله های توضیح المسائل ایشان ذکر شده است (موسوی اردبیلی، ۱۳۸۸، ج ۱، ۴۵۹؛ گلپایگانی، ۱۴۱۳، ج ۱، ۴۸۹؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۹، ج ۱، ۴۷۴-۴۷۵؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۱، ج ۱، ۷۶۰). امام خمینی (ره) در خصوص بیمه می فرمایند: «ظاهراً بیمه عقد مستقل است؛ بی شک

نه صلح است و نه هبه معوضه، بلکه احتمال دارد ضمان در مقابل عوض باشد. ولی اظهار این کلام است که بیمه عقد مستقل است و از باب ضمان تعهدی نیست، بلکه از باب التزام به جبران خسارت است، علی رغم اینکه ممکن است ایقاع آن به شکل صلح یا هبه معوضه و یا ضمان معوض و بنابر قول قوی تر در همه فروع صحیح خواهد بود» (خمینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ۶۰۹).

اما تقریر اصل ۲۱ قانون اساسی در جهت حمایت از حق تأمین اجتماعی زنان بدین صورت وظایفی را برای دولت تدارک دیده است: «الف) ایجاد زمینه های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای فرزند و حمایت از کودکان بی سرپرست؛ ب) حمایت از مادران به خصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی سرپرست؛ ج) ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده؛ د) ایجاد بیمه خاص زنان بیوه، سالخورده و بی سرپرست.

آن چنان که مشاهده می شود قانون گذار از میان حقوق مختلف برای زنان اهتمام داشته تا به بیمه ای سه گروه از آنها که تمکن مالی ندارند مبادرت ورزد و از بندهای مزبور در اصل ۲۱ بندی را به آن اختصاص دهند. اما در خصوص اینکه چه تعریفی از زنان بیوه، سالخورده و بی سرپرست مدنظر است، ماده ۲ قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست مصوب ۱۳۷۱ در تعریف چنین اشعار دارد: «۱- زنان بیوه: بیوه به زنانی اطلاق می شود که به عقد ازدواج دائم یا منقطع درآمده و سپس به یکی از دلایل طلاق، فوت شوهر، فسخ عقد، صدور حکم موت فرضی، بذل مدت یا انقضای مدت در نکاح منقطع، شوهر خود را از دست داده باشند. ۲- زنان سالخورده: زنان بی سرپرست و مسنی هستند که قادر به تأمین معاش خود نباشند. ۳- سایر زنان و دختران بی سرپرست: به زنان و دخترانی اطلاق می شود که بنا به عللی از قبیل، مفقودالایر شدن یا از کار افتادگی سرپرست، به طور دائم یا موقت بدون سرپرست (نان آور) می مانند.» ضرورت ایجاد بیمه خاص نسبت به زنان بی سرپرست، به دلایل مختلفی وجود دارد. یکی از این دلایل، سطح درآمد پایین زنان بی سرپرست است که باعث می شود برای آنان به دست آوردن بیمه سخت باشد. بیمه خاص برای زنان بی سرپرست، می تواند به آنان کمک کند تا از خطرات مالی که در اثر بیماری، حادثه و برخی شرایط

تأمین نیازهای اساسی آن‌ها کمک کند و شرایط زندگی آن‌ها را بهبود بخشد. همچنین، ارائه خدمات رایگان، مانند خدمات بهداشتی و آموزشی، به زنان سرپرست خانوار کمک می‌کند تا مهارت‌های لازم را دریافت کرده و آینده بهتری را برای خود پیش بینی کنند.

۲. توسعه فرصت‌های اشتغال: دولت می‌تواند با ایجاد فرصت‌های شغلی برای زنان سرپرست خانوار، از جمله بازارهای کار مجازی، به ایجاد فرصت‌های بیشتری برای کسب درآمد توسط آن‌ها کمک کند.

۳. تأمین منابع و توانمندسازی: دولت می‌تواند با ارائه منابع لازم به زنان سرپرست خانوار، از جمله روش‌های آموزشی، فرصت‌های تحقیقاتی و توانمندسازی حرفه‌ای، آن‌ها را بهبود داده و شرایط زندگی بهتری را برای آن‌ها فراهم کند (جمالی زاده؛ ملاحسینی، ۱۳۹۹).

در نهایت، برای جبران عدم ارتزاق از منابع عمومی در تحقق توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، نیاز به یک رویکرد سراسری و هماهنگ بین دولت و سازمان‌های فعال در حوزه زنان داریم. به این صورت که دولت می‌تواند با همکاری با سازمان‌های مردم نهاد و جامعه محلی، نیازهای زنان سرپرست خانوار را بررسی کرده و راهکارهایی مناسب برای جبران عدم ارتزاق از منابع عمومی را پیاده سازی کند. همچنین، بیت المال می‌تواند منبعی برای پروژه‌های تحقیقاتی و آموزشی به منظور ارتقای سطح دانش و مهارت‌های زنان سرپرست خانوار باشد. این اقدام می‌تواند کمک کند تا زنان سرپرست خانوار در بازار کار بهتر عمل کنند و درآمد بیشتری کسب کنند (نجفی؛ وثوق نیا، ۱۳۹۶).

در آیه ۱۰۳ سوره توبه آمده است که: «تو از اموال مؤمنان صدقات را دریافت دار که بدان صدقات نفوس آنها را پاک و پاکیزه می‌سازی و رشد و برکت می‌دهی، و آنها را به دعای خیر یاد کن که دعای تو در حق آنان موجب تسلی خاطر آنها شود و خدا شنوا و داناست». در این آیه پیامبر اکرم (ص) و به تبع ایشان سایر حکام جامعه اسلامی، مأمور شده‌اند که مالیات‌هایی نظیر خمس و زکات و خراج را بگیرند و صرف مصالح مسلمین کنند. از جمله افشار نیازمند حمایت مالی حاکم زنان بی سرپرست و بدسرپرست هستند که ضروری است حاکم جهت تأمین معاش اقتصادی، آن‌ها به این قشر توجه ویژه‌ای داشته باشد تا هدف تأمین عدالت اجتماعی نیز محقق شود. روایات و سیره در روایات متعددی به وظایف حاکم اسلامی اشاره شده است و یکی از وظایف

دیگر به وجود می‌آیند، محافظت کنند. همچنین این بیمه می‌تواند زنان بی سرپرست را در مقابل خسارات حادثه‌های کاری و بیماری‌های شغلی نیز محافظت کند.

## ۵-۲-۲. تعیین مقرری از بیت‌المال

با بررسی منابع فقهی، مشخص می‌شود که مصرف بیت‌المال به دو طریق بوده است:

۱- اولین مصرف بیت‌المال در مصارف عمومی بوده‌است که عنوان معینی داشتند، مانند: کمک به فقیران، بینوایان، ناتوانان، خانواده شهدا، پرداختی مأموران حکومت و متصدیان بیت‌المال، قاضی‌ها، هزینه‌های آموزش و بهداشت و همچنین مخارج عمرانی و غیره.

۲- تقسیم کردن مقدار مازاد از بیت‌المال؛ بعد از اینکه بودجه تمام فعالیت‌هایی که حکومت مأمور به انجام آن‌ها بوده‌است، مقداری باقی مانده به صورت مساوی میان همه مسلمانان تقسیم بوده‌است.

بیت‌المال، در نظام اقتصادی اسلام، سهم اعظم مباحث را به خود اختصاص داده و از جایگاه بسیار ویژه‌ای برخوردار است. هدف از پایه‌گذاری نهادی به نام بیت‌المال، تأمین اهداف والا در سیر تکاملی جامعه اسلامی به سوی سعادت و رضایت الهی است. از جمله مهم‌ترین اهداف مصرف بیت‌المال ریشه‌کن نمودن فقر از جامعه و رسیدگی به مصالح و منافع محرومان و مستضعفان است. تا آن‌جایی که گفته شده‌است اگر مسلمان فقیری، در حالت بدهکاری دار فامی را وداع کند و خانواده‌ای برای پرداخت دیون وی نباشد، پرداخت دیون وی بر عهده بیت‌المال خواهد بود، مخارج زن‌های بیوه، یتیمان و مخارج کفن و دفن مردگان فقیر نیز از دیگر مصادیقی است که تحت کفل بیت‌المال است. امام علی(ع) در نهج‌البلاغه در این زمینه چنین فرموده‌اند: «خداوند را، خداوند را، در نظر بگیر در خصوص گروه تهی‌دستان بیچاره و آن‌ها را بهره و نصیبی ببخش از بیت‌المالی که در اختیار تو است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۹، ج ۱، ۶۸۴).

برخی راهکارهای مؤثر برای جبران عدم ارتزاق از منابع عمومی در تحقق توانمندسازی زنان سرپرست خانوار عبارتند از:

۱. تأمین کمک‌های مالی و ارائه خدمات رایگان: دولت می‌تواند با ارائه کمک‌های مالی به زنان سرپرست خانوار، در

حاکم، حمایت از مظلومین و مستضعفان عنوان شده است، چه آنجا که ستمگری حقوق آنها را مورد نفی و تجاوز قرار داده است و چه زمانی که به دلیل عدم وجود سرپرست و نا و چه زمانی حمایت گری، حقوق آنها سلب می‌شود. فضل بن شاذان از حضرت رضا (ع) نقل می‌کند: که آن حضرت در بیان علت وجوب اطاعت اولی الامر، اموری را ذکر فرموده: «از جمله آن علت‌ها این است که ما هیچ یک از فرقه‌ها و ملت‌ها را نمی‌بینیم که بدون وجود یک سرپرست و یک رئیس به حیات خود ادامه داده و باقی مانده باشد؛ زیرا برای امر دین و دنیا ناگزیر باید چنین شخصی باشد، بنابراین از حکمت خداوند حکیم به دور است که مخلوقات خود را بی سرپرست بگذارد با اینکه می‌داند وجود چنین شخصی برای آنها ضروری است و بدون آن زندگی آنها تباه می‌شود؛ زیرا تحت رهبری او، با دشمنانشان می‌جنگند و درآمدهای ملی و عمومیشان را عادلانه تقسیم می‌کنند و به وسیله او نماز جمعه و جماعت بر پا می‌دارند و دست ستمگران را از حریم حقوق مظلومین کوتاه می‌کنند ... (قرشی، ۱۳۹۱، ج ۴، ۳۰۱).

در کل می‌توان نتیجه گرفت که استفاده از منابع عمومی همچون بیت المال برای توانمند سازی و تسهیل شرایط زنان سرپرست خانوار نه تنها از نظر اخلاقی مورد قبول است، بلکه با توجه به نیاز این گروه از جامعه، اقتصادی هم معقول و موثر است. در کشورهای مانند سوئد و دانمارک نیز، توانمندسازی زنان سرپرست خانوار مورد توجه قرار گرفته است و برنامه‌هایی با هدف ایجاد شغل‌های جدید و ارائه خدمات رایگان به زنان سرپرست خانوار طراحی و اجرا شده است (رحمانی؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۹۶). در نتیجه، تجربیات کشورهای مختلف در استفاده از منابع عمومی به‌منظور توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، برای دولت‌ها و سازمان‌های مردم نهاد در کشورهای دیگر نیز قابل استفاده هستند.

۵-۲-۳. عدالت در پرداخت دستمزد

فقها تعاریف مختلفی را عدالت ارائه کرده‌اند: عدالت عبارت از ملکه، هیئت راسخه، حالت و یا کیفیتی است که انسان را به سوی اطاعت در اتیان موارد واجب و ترک موارد حرام، سوق می‌دهد (خوئی، ۱۴۲۵، ج ۱، ۲۱۱)؛ در تعریفی دیگر چنین آمده است که عدالت کیفیتی نفسانی که سبب ملازمت انسان به سمت تقوی می‌شود (راغب اصفهانی،

۱۴۰۴، ج ۱، ۳۲۵؛ انصاری، ۱۴۱۴، ج ۱، ۵). در بیانی دیگر نیز عدالت هیئت نفسانی راسخیه است که همواره انسان را بر رعایت تقوی و مروت و ادار می‌سازد. به عقیده ایشان در سه حالت عدالت زائل می‌شود: گناه کبیره، اصرار بر گناه صغیره و عدم رعایت مروت (صاحب بن عباد، ۱۴۰۱، ج ۱، ۴۲۲؛ ابن فارس، ۱۳۹۹، ج ۴، ۲۴۶؛ فراهیدی، ۱۴۰۵، ج ۲، ۳۸؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۳، ۱۳۰ - ۱۲۸). دستمزد، اجرت، کرایه و امثال این‌ها در لغت عبارت از آن چیزی است که در نتیجه عمل شخص در دنیا یا عقبی عاید انسان می‌شود. (ابن فارس، ۱۳۹۹، ج ۱، ۶۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ج ۱۱، ۱۱) تقریر ماده ۳۵ قانون کار نیز چنین اشعار دارد: «در قانون کار ایران ماده ۳۵، مزد یا حقوق عبارت است از وجوه نقدی یا غیرنقدی و یا مجموع آن‌ها که کارگر در قبال انجام کار از کارفرما دریافت می‌کند».

وضعیت حقوق زنان سرپرست خانوار در ایران به گونه‌ای است که هنوز هم با چالش‌های فراوانی روبرو است. در حال حاضر، مسئولیت تامین مالی خانوار به عهده شوهر است و زنان سرپرست خانوار در بسیاری از موارد به دلیل کمبود حقوق و دسترسی محدود به منابع مالی، با مشکلاتی مانند فقر، ناتوانی در تامین نیازهای روزمره خانواده و تحصیل فرزندان مواجه هستند (رضایی، ۱۳۹۵). لذا می‌توان گفت همچنان نیاز به تلاش برای بهبود شرایط اقتصادی و حقوقی زنان سرپرست خانوار در ایران وجود دارد. افزایش حقوق و دسترسی به منابع مالی، ایجاد فرصت‌های شغلی برای زنان، ارتقاء سطح تحصیلات و دسترسی به آموزش‌های مهارتی و فنی، می‌تواند بهبود شرایط زنان سرپرست خانوار را تسهیل کند. دولت مسئولیت ایجاد شرایط سالم اقتصادی برای زنان سرپرست خانوار را برعهده دارد. به عنوان مثال، در قانون کار، نسبت حقوق زنان به مردان باید برابر باشد. همچنین، دولت می‌تواند با ارائه تسهیلات مالی و اقتصادی مناسب، به برخی زنان سرپرست خانوار کمک کند تا کسب و کارهای خود را گسترش دهند (قاسمی، ۱۳۹۰). سیاست‌های دولتی می‌توانند به فرصت‌های شغلی زنان سرپرست خانوار کمک کنند. برای مثال، برنامه‌های آموزشی و حرفه‌ای، تسهیلات مالی و اقتصادی و همچنین سیاست‌های ترویج کارآفرینی و راه‌اندازی کسب و کارهای خانگی، می‌توانند به ایجاد فرصت‌های شغلی برای زنان سرپرست خانوار کمک کنند (شفیعی، ۱۳۸۹). چالش‌های متعددی در پیش روی دولت در تسهیل شرایط اقتصادی زنان سرپرست خانوار وجود

در کل می‌توان نتیجه گرفت که استفاده از منابع عمومی همچون بیت المال برای توانمند سازی و تسهیل شرایط زنان سرپرست خانوار نه تنها از نظر اخلاقی مورد قبول است، بلکه با توجه به نیاز این گروه از جامعه، اقتصادی هم معقول و موثر است. در کشورهای مانند سوئد و دانمارک نیز، توانمندسازی زنان سرپرست خانوار مورد توجه قرار گرفته است و برنامه‌هایی با هدف ایجاد شغل‌های جدید و ارائه خدمات رایگان به زنان سرپرست خانوار طراحی و اجرا شده است (رحمانی؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۹۶). در نتیجه، تجربیات کشورهای مختلف در استفاده از منابع عمومی به‌منظور توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، برای دولت‌ها و سازمان‌های مردم نهاد در کشورهای دیگر نیز قابل استفاده هستند.

### ۵-۲-۳. عدالت در پرداخت دستمزد

فقها تعاریف مختلفی را عدالت ارائه کرده‌اند: عدالت عبارت از ملکه، هیئت راسخه، حالت و یا کیفیتی است که انسان را به سوی اطاعت در اتیان موارد واجب و ترک موارد حرام، سوق می‌دهد (خوئی، ۱۴۲۵، ج ۱، ۲۱۱)؛ در تعریفی دیگر چنین آمده است که عدالت کیفیتی نفسانی که سبب ملازمت انسان به سمت تقوی می‌شود (راغب اصفهانی،

جمهوری اسلامی بوده است، که در زیر نمونه‌هایی آورده شده است (بند ۱۲ اصل سوم قانون اساسی).

#### ۴-۵. مبانی فقهی حمایت از زنان سرپرست خانوار

پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) به عنوان حاکم جامعه اسلامی، در جهت رفع مشکلات و تأمین امنیت خانواده‌های زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست اقدام می‌کردند. از پیامبر نقل شده است که: «یتیمان و زنان بی‌سرپرست را سیر کن و نسبت به یتیمان مانند پدری مهربان و برای زنان بی‌سرپرست همانند شوهری دلسوز باش، تا در عوض این خدمات به ازای هر نفسی که در دنیا می‌کشی قصری در بهشت به تو عطا شود که هر قصری بهتر از دنیا و آنچه در آن است می‌باشد» (طبرسی، ۱۳۸۵، ۱۶۸). پیامبر اکرم (ص) در سخنی یکی از ویژگی‌های افراد باایمان را در این می‌داند که: «به خانه‌های بیوه زنان [به منظور کمک و مساعدت مالی] رهسپارند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ۲۳۲). روایت شده است: روز عاشورا در پشت بدن مبارک امام حسین (ع)، اثری مشاهده شد، وقتی از حضرت امام زین العابدین (ع) راجع به آن اثر جويا شدند فرمود: «آن اثر کیسه‌های غذایی است که حضرتشان به دوش می‌گرفت و برای بیوه زنان و یتیمان و بی‌نویان می‌برد» (مازندرانی، ۱۳۷۹، ج ۴، ۶۶). لقمان (ع) به پسرش گفت: «پسر! برای یتیم، همانند پدر مهربان باش و برای زن بیوه، همانند شوهر دلسوز» (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ۳۳۷).

«امام صادق (ع) به نقل از پیغمبر (ص) فرمودند: من از هر مؤمنی به خود سزاوارترم و اولویت دارم و پس از من این سزاواری را علی (ع) دارد. به حضرت عرض شد: معنی این سخن چیست؟ فرمود: فرمایش پیغمبر اسلام است که هرکس بمیرد و از خود بدهی یا بازماندگان بی‌سرپرست به جا گذارد، برعهده من است (که دینش را ادا کنم و از بازماندگانش سرپرستی نمایم) و هر که بمیرد و مال از خود به جا گذارد، از آن ورثه است، پس هرگاه هر فردی بمیرد و مالی نداشته باشد، بر خود ولایت ندارد و چون مخارج عیال خود را نپردازد، بر آنها حق امر و نهی ندارد و پیامبر اسلام (ص) و امیر المؤمنین (ع) و امامان بعد از ایشان ملزم هستند (که مخارج آنها را بپردازند)» (کلینی، بی‌تا، ۲۶۴).

دارد. این چالش‌ها شامل عدم دسترسی به تسهیلات مالی، نبود فرصت‌های شغلی مناسب، وابستگی به منابع عمومی و ... هستند. برای رفع این چالش‌ها، دولت می‌تواند با تدوین سیاست‌های مناسب و تأمین منابع مالی و اقتصادی، به توانمندسازی زنان سرپرست خانوار کمک کند. همچنین، با ترویج فرهنگ کارآفرینی و راه‌اندازی برنامه‌های حرفه‌ای، می‌توان به کاهش وابستگی زنان سرپرست خانوار به منابع عمومی کمک کرد (نقی زاده، ۱۳۹۱). برای افزایش فعالیت اقتصادی زنان سرپرست خانوار، راهبردهای متعددی وجود دارد. به عنوان مثال، برنامه‌های آموزشی و حرفه‌ای، تسهیلات مالی و اقتصادی، حمایت از کارآفرینی و راه‌اندازی کسب و کارهای خانگی، تشویق زنان به شرکت در برنامه‌های راه‌اندازی کسب و کار و ... هستند (قاسمی، ۱۳۹۰). برنامه‌های توسعه‌ای می‌توانند به توانمندسازی زنان سرپرست خانوار کمک کنند. این برنامه‌ها می‌توانند شامل ارائه تسهیلات مالی و اقتصادی، برنامه‌های آموزشی و حرفه‌ای، ایجاد فرصت‌های شغلی، پشتیبانی از کسب و کارهای خانگی و ترویج فرهنگ کارآفرینی و استقلال مالی باشند (نقی‌زاد، ۱۳۹۱). سیاست‌های دولتی می‌توانند به کاهش تفاوت دستمزدی بین مردان و زنان سرپرست خانوار کمک کنند. به عنوان مثال، اجرای قوانینی که برابری حقوق زنان و مردان را تأمین می‌کنند، می‌تواند به کاهش تفاوت دستمزدی کمک کند. همچنین، با ترویج فرهنگ کارآفرینی و توسعه کسب و کارهای خانگی، زنان سرپرست خانوار می‌توانند به عنوان کارآفرینان فعال شوند و درآمد بیشتری کسب کنند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۹). برنامه‌های حمایتی دولت می‌توانند به ترویج فرهنگ کارآفرینی در بین زنان سرپرست خانوار کمک کنند. این برنامه‌ها می‌توانند شامل ارائه تسهیلات مالی و اقتصادی، برنامه‌های آموزشی و حرفه‌ای، تشویق زنان به شرکت در برنامه‌های راه‌اندازی کسب و کار و همچنین حمایت از کسب و کارهای خانگی باشند (علیزاده، ۱۳۹۷). عدالت ایجاد می‌کند که نظام اجتماعی در صدد رفع فقر آنان برآید و سود توزیع را از بین ببرد. برپایی قسط و عدل چه در زمینه ایجاد امکانات (بند ۹ اصل سوم قانون اساسی) برای افراد جامعه، چه در زمینه مسائل اقتصادی (بند ۱۲ اصل سوم قانون اساسی) و چه در زمینه تأمین حقوق و ایجاد امنیت برای تمامی افراد جامعه (بند ۱۴ اصل سوم قانون اساسی)، ریشه کن کردن فقر و محرومیت ایجاد و ... از اصول مورد توجه قانونگذاری در

## ۶. نتیجه‌گیری

در حال حاضر حمایت‌هایی از طریق سازمان‌های عمومی به زنان سرپرست خانوار ارائه می‌شود، گرچه بسیار ارزشمند بوده و مانع از نابودی اعضای این قبیل خانواده‌ها بر اثر گرسنگی و بی‌سرپناهی می‌شود، اما به نظر می‌رسد این حمایت‌ها هنوز به دلیل نهادینه نبودن تداخل وظایف دستگاه‌های موازی، سیاسی کاری در دستگاه‌های ارائه‌کننده خدمات عمومی فقدان قوانین و ضوابط مناسب و عدم اجرای قوانین موجود برای رفع مسائل و مشکلات این قشر آسیب‌پذیر جامعه کفایت نمی‌کند. اهتمام به اوضاع و احوال زنان سرپرست خانوار به عنوان اشخاصی که به تنهایی مسئولیت خانواده‌ای را بر عهده دارند موضوعی بسیار حائز اهمیت است. اما از جمله چالش‌های وارد بر موضوع مزبور قوانین ضعیف یا نابرابری است که پیامدهای زیان‌باری را به همراه دارد، لذا اصلاح آن‌ها ضروری خواهد بود که از آن‌ها میتوان به مؤلفه‌هایی از این‌سخت اشاره نمود: ضرورت ایجاد بیمه خاص نسبت به زنان بی‌سرپرست به سبب سطح پایین درآمد، حوادث و امراض ناشی از کار؛ دیگر مسئله شایان توجه بحث اعطای سرپرستی فرزندان است؛ تعیین مقرری از بیت‌المال برای چنین افرادی که یقیناً در هنگام مصرف درآمدهای عمومی در اولویت می‌باشند از دیگر موضوعات شایان توجه است و در نهایت عدالت در پرداخت دستمزد نیز موضوع دیگری است که ساماندهی به وضعیت آن ضروری بوده و مطلوب است که دستخوش تغییراتی به‌سود این اشخاص باشد.

علیرغم وجود مصوبات قانونی و معین برای تأمین هزینه‌های خانواده‌های بی‌سرپرست و نیازمند و تحقق اصل تأمین اجتماعی در خصوص آنها و همچنین تلاش نهادهای حمایتی از آنها، پیشنهاد می‌شود: (۱) از آنجا که به دلیل عدم تخصیص اعتبار الزم، اقسام مستمری‌ها به‌طور کامل پرداخت نمی‌شود، ضروری است بودجه سازمان‌های متولی در امور زنان سرپرست خانوار با توجه به افزایش نرخ طلاق، جرایم و آسیب‌های اجتماعی در هر سال افزایش یابد. (۲) به زنان سرپرست خانوار که به هر دلیل از جمله عدم تخصص، سالمندی، بیسوادی، مراقبت از کودک، بیماری و از کارافتادگی توان کار کردن و کسب درآمد ندارند، حق بیمه بیکاری پرداخت شود. مطابق منابع فقهی، لازم است حکومت اسلامی از منابع مالی چون زکات در راستای

علاوه بر این «مطابق قاعده ولایت حاکم بر غایت و ممتنع، حاکم ملزم به حمایت از زوجه مرد غایت و زوجه مرد ممتنع از پرداخت نفقه می‌شود و ضروری است که حاکم نفقه این دو قشر از زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست را تأمین نماید. ولایت بر غایت: در خصوص زوجه‌ای که همسرش غایت است و تکالیف همسرش نسبت به او ایفا نمی‌شود، حاکم موظف است از باب ولایتی که بر شخص غایب دارد، تکالیف او را نسبت به همسرش ایفا کند. مهم‌ترین وظیفه حاکم در قبال زوجه مرد غایب، تأمین نفقه او از بین‌المال است، در فرضی که امکان پرداخت نفقه زن از اموال مرد غایب نباشد؛ لذا وظیفه حاکم در این خصوص به شرح ذیل است: (۱) در جایی که شوهر غایب است و مالی هم از او وجود ندارد، در صورتی که مکان زوج مشخص باشد، حاکم شخصی را برای مطالبه نفقه زوجه به سوی او می‌فرستد» (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۷، ۵۹۳، ۲) «در زمان غیبت منفق، همسر مرد غایب می‌تواند با امر حاکم، برای تهیه هزینه‌های خود به حساب منفق قرض کند و منفق، پس از حضور موظف است که قرض را ادا کند؛ چرا که حاکم در این موارد بر وی ولایت دارد» (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۳۱، ۳۷۹، ۳) «در جایی نیز حاکم موظف به پرداخت نفقه این زنان از بیت‌المال است: زنانی که شوهران ایشان گم شده باشند و خبری از ایشان ظاهر نباشد و خویشان نداشته باشند که نفقه زنان ایشان را بدهند و اگر نفقه به ایشان ندهند و آن زنان از نفقه خود عاجز آیند و صبر نکنند، حال خود را به حاکم شرع عرض نمایند. حاکم شرع زنان را ملزم می‌کند که چهار سال منتظر بماند و از بیت‌المال به ایشان نفقه می‌دهد» (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۹، ۲۸۴). «البته پرداخت نفقه زن از بیت‌المال، از بزرگ‌ترین مصلحت‌هایی خوانده شده که بیت‌المال را برای آن تعیین کرده‌اند. «همچنین در خصوص حمایت حاکم از زوجه مرد مفقود، حکم طلاق این زن است» (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۸، ۱۲۴). یکی از سیاستهای اصولی در مکتب اقتصادی اسلام ایجاد توازن اجتماعی و تعدیل ثروت‌هاست. در پرتو این سیاست زمینه‌های لازم برای کسب درآمد برای همگان فراهم می‌شود و از سوی دیگر برای جلوگیری از تمرکز ثروت و شکاف طبقاتی با ابزارهایی که در اختیار حاکم اسلامی است در ثروت‌ها تعدیل صورت می‌گیرد.

حمایت از زنان بی‌پرست حمایت کند. اگر توازن اجتماعی در جامعه‌ای برقرار گردد همگان از سطح قابل قبول زندگی و رفاه نسبی برخوردارند و بدین ترتیب با تحقق توازن اجتماعی، فقر از جامعه ریشه کن می‌گردد. از طرفی به منظور تحقق عدالت اجتماعی، شکی نیست که رفع فقر و جلوگیری از انباشتن بیش از حد ثروت در دست اغنیا و ایجاد غنا و رفاه برای عموم افراد جامعه ضروری است؛ زیرا وجود فقر در جامعه نشان دهنده وجود ظلم است.

#### **۷. سهم نویسندگان**

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

#### **۸. تضاد منافع**

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

- منابع فارسی**
- بختیاری، آمنه؛ محبی، سیده فاطمه، «حکومت و زنان سرپرست خانوار»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، شماره سی و چهارم، ۱۳۸۵.
  - جعفری لنگرودی، محمد، «تحلیل حقوقی وضعیت حقوقی زنان سرپرست خانوار در ایران»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، شماره بیست و یکم، ۱۳۸۹.
  - جمالی‌زاده، مریم؛ ملاحسینی، زهرا، «بررسی حقوق زنان در قوانین و مقررات کشورهای عضو سازمان ملل متحد»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره یکصد و پانزدهم، ۱۳۹۹.
  - حسن پور، اکبر؛ ابطحی، سیدامیر رضا؛ عزیزپور لیندی، عبدالصمد؛ داداشی امیر، مزگان؛ شناسایی و اولویت‌بندی راههای توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، مجله: رفاه اجتماعی، شماره هشتادم، بهار ۱۴۰۰.
  - دراهکی، احمد؛ نوبخت، رضا، «بررسی وضعیت اقتصادی و اجتماعی زنان سرپرست خانوار ایرانی (یک آنالیز ثانویه)»، نشریه پایش، شماره چهارم، ۱۴۰۰.
  - رحمانی، زهرا؛ جعفری لنگرودی، محمد، «تحلیل حقوقی وضعیت حقوق زنان در قانون مدنی ایران»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره نود و سوم، ۱۳۹۶.
  - رضایی، مینو، «تحلیل حقوقی عدم تساوی در اجرای حقوق زنان سرپرست خانوار»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، شماره هفتاد و ششم، ۱۳۹۵.
  - سعدی، حشمت‌الله، «نقش کسب و کارهای کوچک در تأمین نیازهای اساسی زنان سرپرست خانوار روستایی در استان همدان»، نشریه تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی، شماره دوم، ۱۳۹۲.
  - شفیعی، راغبه، «تحلیل حقوقی وضعیت حقوقی زنان سرپرست خانوار در ایران»، رساله دکتری، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹.
  - شیرزاد، کبری، «بررسی عوامل موثر بر میزان توانمندی زنان سرپرست خانوار شهرستان ورامین»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی استاد محمد زاهدی اصل، تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۹.
  - عبادی، شیرین، حقوق زن در قوانین ج.ا.ا.، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۱.
  - عزیززاده، سمیه، «بررسی وضعیت حقوقی زنان سرپرست خانوار در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره چهل و یکم، ۱۳۹۷.
  - قاسمی، محمد، «بررسی حقوق زنان سرپرست خانوار در ایران»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره پنجاه و یکم، ۱۳۹۰.
  - قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، جلد چهارم، چاپ دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۱.
  - قوامی، هادی، «بررسی مقایسه ای زنان سرپرست خانوار خود اشتغال و زنان سرپرست خانوار دستمزد و حقوق بگیر در نقاط شهری ایران»، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره هفتاد و دوم، ۱۳۸۵.
  - کردزنگنه، حعفر؛ اقبالی، علیرضا؛ بررسی وضعیت اشتغال زنان سرپرست خانوار در ایران، مجله جمعیت، شماره نود هفت و نود هشت، پاییز و زمستان ۱۳۹۵.
  - نجفی، مرضیه؛ وثوق‌نیا، محمدرضا، «بررسی تطبیقی حقوق زنان در قوانین و مقررات کشورهای عضو اتحادیه اروپا»، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره هفتم، ۱۳۹۶.
  - نقی‌زاده، مهدی، «بررسی تطبیقی وضعیت حقوق زنان سرپرست خانوار در ایران و کشورهای منتخب»، فصلنامه مطالعات تطبیقی حقوقی، شماره هفدهم، ۱۳۹۱.
  - وزیری، مجید؛ حسینی، حامد، «ضرورت حبس زدایی زنان بزهکار سرپرست خانوار در فقه و حقوق ایران»، مجله مطالعات فقه اقتصادی، شماره اول، ۱۳۹۸.

- هاشمی، سید محمد، بررسی مفاهیم عدالت- مساوات از دیدگاه ق.ا.ج.ا.ا.، حزه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشکده دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱.
- هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادی های اسلامی، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۴.
- عربی**
- ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، جلد چهارم، قم، دار الفکر، ۱۳۹۹.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین، رسائل الفقهیه، جلد اول، قم، المؤتمر العالمی، ۱۴۱۴.
- خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، جلد دوم، قم، مؤسسه مطبوعاتی إسماعیلیان، ۱۳۹۰.
- خوئی، سید ابوالقاسم، موسوعه الامام الخوئی، جلد اول، قم، مؤسسه الخوئی الإسلامیه، ۱۴۲۵.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات فی غریب القرآن، جلد اول و یازدهم، قم، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴.
- شهیدثانی، زید الدین بن علی، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة، جلد سوم، قم، انتشارات داورى، ۱۴۱۰.
- شهیدثانی، زین الدین بن علی جبعی عاملی، مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، جلد نهم، قم: مؤسسه معارف الاسلامیه، ۱۴۱۳.
- شیخ مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، محقق، چاپ اول قم، المؤتمر العالمی لالیفیه الشیخ المفید، ۱۴۱۳.
- صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد، المحیط فی اللغة، بیروت-لبنان، عالم الكتاب، ۱۴۰۱.
- طبرسی، علی بن حسن ابو الفضل، مشکاه الانوار، نجف: کتابخانه حیدریه، ۱۳۸۵.
- فاضل هندی، محمد بن حسن، كشف اللثام عن قواعد احكام، جلد هفتم، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۶.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، جلد دوم، بیروت- لبنان موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۵.
- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، محقق، غفاری، علی اکبر، آخوندی، محمد، ج دوم، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷.
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران: نشر فرهنگ اهل بیت (ع)، بی تا.
- گلپایگانی، سید محمد رضا، توضیح المسائل، جلد اول، قم، دار القرآن الکریم، ۱۴۱۳.
- مازندرانی، ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب (ع)، ج چهارم، چاپ اول، قم، علامه، ۱۳۷۹.
- مکارم شیرازی، ناصر، رساله توضیح المسائل، جلد اول، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۴۲۹.
- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم، رساله توضیح المسائل، جلد اول، قم، انتشارات نجابت، ۱۳۸۸.
- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، جلد سی و یکم، تحقیق: عباس قوچانی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.
- وحید خراسانی، حسین، توضیح المسائل، جلد اول، قم، مدرسه باقر العلوم (ع)، ۱۴۲۱.

